

نگاهی به احوال و آثار مؤلف سفینه خوشگو بندرابن داس خوشگو

سید کلیم اصغر*

شکّی نیست، که مسلمانان و غیرمسلمانان شبه قاره، دوستداران زبان فارسی در طول هزار سال گذشته، پاسدار زبان و ادب فارسی بوده و همیشه برای ترویج و اشاعه آن کوشیده‌اند و فارسی در طول این زمان به عنوان زبان فرهنگی آنها شناخته شده است. خدمات مسلمانان شبه قاره به زبان و ادب فارسی به جای خود، حتّی هندوان شبه قاره نیز در کنار مسلمانان در ترویج و توسعه زبان و ادب فارسی در این منطقه بزرگ سهمیم بوده‌اند و به هیچ وجه خدمتشان را نمی‌توان نادیده گرفت^۱. هندوان، به خاطر این که فارسی در طول این زمان، زبان رسمی سراسر شبه قاره بوده، نمی‌توانستند از آن کناره‌گیری کنند و دیگر اینکه، این زبان شیرین و دلنشین نیز در ذهن و قلب آنان ریشه

*- استادیار مهمان بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱- برای توضیح بیشتر، نک: کتاب پرارزش ادبیات فارسی در میان هندوان، تألیف سید عبدالله، ترجمه از اردو به فارسی دکتر محمد اسلم خان، چاپ اول موقوفات محمود افشار، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.

دوانید بود. در میان هندوان شاعران بزرگی داریم که به زبان فارسی شعر سروده‌اند و نیز در تاریخ‌نویسی و تذکره‌نویسی سهم بسزایی داشته‌اند.^۱

یکی از آنها «بندراپن داس خوشگو» است. در اغلب تذکره‌هایی که از قرن ۱۲ به بعد تألیف شده از خوشگو سخن رفته است. اما هیچ‌کس دربارهٔ زندگانی وی اطلاعات اساسی به دست نمی‌دهد و این مشکلی است که در مورد اشخاص بزرگ پیش می‌آید. مؤلف سفینهٔ خوشگو که به معرفی بیش از هزار شاعر پرداخته، دربارهٔ احوال و آثار آنها صحبت کرده است و با آوردن نمونهٔ کلام آنها به ارزیابی آثار آنها دست زده، دربارهٔ زندگانی خودش هیچ سخنی به میان نیاورده است. تذکره‌نویس‌ها، اسم اصلی او را بندراپن داس^۲ نوشته‌اند^۳ و تخلص

۱- کشن چند اخلاص، موهن لال انیس، لچهمی نراین شفیق، بهگوان داس هندی، منشی جسونت، لال رام، نول رای، آنند روپ برهمن، شیو پرشاد، مٹا لال، آنند رام مخلص، و کلیان سینگ.

۲- گفتنی است که کلمهٔ «پن» واژهٔ عربی نیست بلکه واژهٔ زبان هندی است و معنی آن «جنگل» است و این کلمه نباید اشتباه تلفظ شود و یادآوری می‌شود بندراپن به کسرۀ باء موحدۀ و سکون نام موضعی است از متھرا و داس در زبان هندی غلام را گویند یعنی غلام آن موضع.

۳- بانکی‌پور، ج ۸، ص ۸۳، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۷۱۳؛ تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۲۳۱؛ روز روشن، ص ۲۴۹؛ سفینهٔ هندی، ص ۶۲؛ صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۳۲۱؛ مجمع‌الفنائن، ص ۴۵؛ حدیقهٔ هندی، برگ ۸۶ ب.

او را «خوشگو» ذکر کرده‌اند.^۱ برخی او را از «متهرا»^۲ دانسته‌اند^۳ و بعضی او را از بنارس^۴ یا عظیم‌آباد^۵ می‌دانند^۶ و برخی می‌گویند که از قوم بئیس^۷ بوده است.^۸

درباره تاریخ یا سال تولد وی هیچ‌جا سخن نرفته است، اما برخی او را هم‌عصر فرخ‌سیر یا محمد شاه (پادشاه گورکانی هند) نوشته‌اند و نیز به گفته بعضی‌ها او معاصر سلطان شاه بوده است^۹ و نیز به عقیده برخی پدرش در ارتش عالمگیر (۱۱۱۸-۱۰۶۸ هـ) خدماتی انجام داد؛ و نیز اینکه عمویش «سدانند» در حرم اعظم شاه (پسر اورنگ‌زیب عالمگیر) مستخدم بود.^{۱۰} درباره شغل او نیز اطلاعاتی در دست نیست، و تذکره‌نویس‌ها دچار ابهام شده‌اند و به گفته بعضی‌ها او در اوایل زندگی مشغول کار بود، اما سپس زندگی گدایانه‌ای را اختیار کرد و در لباس فقرا می‌زیست.^{۱۱} او خودش را نیز

۱- بانکی‌پور، ج ۸، ص ۸۳، باغ معانی، ص ۵۹؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۷۱۳؛ تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۲۳۹؛ صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ گل رعنا، ص ۶۳؛ مجمع‌النفائس، ص ۴۵؛ مقالات الشعرا، ص ۴۷؛ نقد خیال، ص ۲۶۸؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب.

۲- متهرا (Mathura)؛ شهریست در شمال هند در ایالت اترپرادش امروز ۳۰ میل طرف شمال غرب شهر آگره.

۳- سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱؛ گل رعنا، ص ۶۳.

۴- یکی از شهرهای مقدس هندوها در ایالت اترپرادش.

۵- نام قدیمی شهر پتنا.

۶- باغ معانی، ص ۶۰؛ بانکی‌پور، ج ۸، ص ۸۳؛ سفینه هندی، ص ۶۷؛ مقالات الشعرا، ص ۴۷.

۷- در هندوها چهار طبقه یا فرقه بزرگ وجود دارد: برهمن (اهل مذهب)، کهتری (اهل جنگ و اسلحه)، ویش یا بئیس (بازرگان و کشاورزان و غیره - اهل حرفه)، و شودر (طبقه پایین - کفّاشان، سپوران و غیره).

۸- باغ معانی، ص ۵۹؛ بانکی‌پور، ج ۸، ص ۱۱۴؛ سفینه هندی، ص ۶۷؛ مخزن‌الغرائب، ص ۲۷؛ مجمع‌النفائس، ص ۴۵؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب.

۹- الذریعه، ص ۳۲؛ سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱.

۱۰- سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱.

۱۱- صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ گل رعنا، ص ۶۵؛ مجمع‌النفائس، ص ۴۵.

به نام «فقیر»^۱ یاد می‌کند. بندرآبن داس خوشگو، سفینه خوشگو را به نام عمده‌الملک نوآب امیر خان تقدیم کرده است.^۲

سال درگذشت او را به یقین نمی‌توان تعیین کرد. برخی ۱۱۲۶ هجری را سال درگذشت وی دانسته‌اند و به گفته بعضی‌ها او در دهه هفتم قرن دوازدهم (در حدود ۱۱۷۰ ه) در شهرستان عظیم‌آباد ایالت بیهار به جهان باقی شتافت.^۳

خوشگو به عنوان یک شاعر سبک هندی

تذکره‌نویسان بر این باورند که بندرآبن داس شاعر بود^۴ و تخلص «خوشگو» را از استاد خود، محمد افضل سرخوش، گرفته بود.^۵

۱- کلمه فقیر در شبه قاره به معنی گدا استفاده می‌شود.

۲- سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱؛ سفینه هندی، ص ۶۷؛ صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ مخزن الغرائب، ص ۱۲۷؛ مجمع‌الفنایس، ص ۴۶.

۳- حدیقه هندی، ص ۸۶؛ ریو، ج ۱، ص ۶۹؛ صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ گل رعنا، ص ۶۵.

۴- سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱؛ سفینه هندی، ص ۶۷؛ باغ معانی، ص ۵۶؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب؛ روز روشن، ص ۲۴۱؛ مجمع‌الفنایس، ص ۴۵.

۵- خوشگو در مورد تخلص خودش در احوال محمد افضل سرخوش چنین می‌نویسد: «فقیر راقم خوشگو اول عمر در چهارده سالگی خاک آستان مبارکش را صندل پیشانی طلب ساخته مشق شکسته بسته خود را به نظر اصلاحش می‌گذرانیده. روزی این مصرع گفته بودم:

بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را

بر آن مصرع دستخط فرمود که این مصرع از عالم معنی است. بعد از مشق بسیار دست می‌دهد. از این غافل نباشی و خود پیش مصرع رسانید:

کشیدم بعد مجنون تنگ در آغوش جان غم را بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را

بعد از آن فقیر مصرع خود را به این وضع رسانیده:

چون مجنون داد جان من پرورش دادم به جان غم را

بود غمخواری کودک پس از مرگ پدر عم را

همان روز از کمال عنایت تخلص «خوشگو» عنایت فرمود. لفظ خوش از تخلص خود برآورده به تو بخشیدم».

امروز دیوان او در دست نیست، اما بیشتر سخن‌سنجان و منتقدان درباره شعر وی نظر خوبی داده‌اند^۱ و نمونه‌هایی از کلام او نیز آورده‌اند^۲ و به گفته بعضی‌ها او اشعار خود را به نام «مرقع» جمع‌آوری کرد که برخی از آنها در دست نیست. تقریباً همه تذکره‌نویسان آورده‌اند که خوشگو از دوستان میرزا عبدالقادر بیدل، میرزا مظهر، آبرو، آرزو، سبقت، بیغم، سرخوش و سعدالله گلشن بود^۳ و نیز اینکه او در حدود بیست و پنج سال با سراج‌الدین علی خان آرزو صحبت داشت^۴ و خود آرزو نیز این امر را تأیید کرده است. برای آشنایی بیشتر با خوشگو به عنوان یک شاعر سبک هندی نمونه‌هایی از ابیاتش را نقل می‌کنیم:

نگه در توتیا غلطیده می‌خیزد ز مژگانش

سخن پان^۵ خورده می‌آید برون از رنگ آن لبها

*

اگر معراج بخل ممسکان دهر ما اینست خداوندا غریق بحر رحمت ساز قارون را

*

از بیم بدان تا رخ خوب تو ببینم آینه به کف پشت به سوی تو نشینم

*

تابوت مرا از تو گل فاتحه‌ای نیست این رسم کهن حیف که در عهد تو افتاد

*

۱- سفینه هندی، ص ۶۷؛ مجمع‌الفنایس، ص ۴۵؛ باغ معانی، ص ۵۹؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب؛ روز روشن، ص ۲۴۹.

۲- گل رعنا، ص ۷۴-۶۶؛ مخزن الغرائب، ص ۱۲۷؛ باغ معانی، ص ۶۰؛ مقالات الشعرا، ص ۴۴۷؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب؛ روز روشن، ص ۲۴۹.

۳- سفینه خوشگو، دفتر ثالث، ص ۱؛ مجمع‌الفنایس، ص ۴۵؛ مقالات الشعرا، ص ۴۷؛ صحف ابراهیم، ص ۵۶؛ سفینه هندی، ص ۶۷؛ حدیقه هندی، برگ ۸۶ ب.

۴- سفینه هندی، ص ۶۷؛ مجمع‌الفنایس، ص ۴۵؛ باغ معانی، ص ۶۰.

۵- یک نوع برگ سبز است که در شبه قاره مردم در دهان می‌گذارند و دهن را قرمز می‌کند.



دماغ گوشه دستار من دارد ز کام از گل
 به فرقم سایه خاری از آن دیوار می باید
 *

برای یار تنظیم رقیبان هم ضرور افتد
 به شوق بت نخستین سجده درپیش برهنم کن^۱
 *

شیشه‌یی چند از گلاب اشک دارم در بغل
 می برم تا شستشوی تربت مجنون کنم
 *

می کشد عاشقانه ناز تو را گرچه نازک بود مزاج سخن^۲
 *

قامت خم گشته آفت‌گاه دیگر بوده است
 بر سر ما عاقبت می افتد این دیوار ما
 *

روز و شب می روم اما همان سرگشته‌ام
 نقش پای خود بود رهبر طلب‌گار مرا
 *

چو رنجی که به گردد از قطع عضو به عشق تو شد درد و درمان ما
 *

چند معمار دل ویران من خواهی شدن این سرای نامبارک قابل تعمیر نیست
 *

دهلی خوش است لیک ز یار این چنین خوش است
 یار این چنین خوش است و دیار این چنین خوش است
 *

رفتم به کجا به باغ کی فصل بهار دلتنگ چه سان چو غنچه چون بی‌دلدار
 *

۱- روز روشن، ص ۲۴۹.

۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۷۲۲.

دیدم چه شکسته گلی از چه ز بو

گل بد، نه، چه بود نامه‌ای از که ز یار

*

آواز تیشه امشب از بی ستون نیامد

شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد^۱

بندرابن داس در تذکره سفینه خوشگو دفتر دوم در ضمن احوال حضرت میرزا

عبدالقادر چند بیت در وصف بیدل می‌نویسد:

باید شستن لب از مشک و گلاب تا بگویم نام آن قدسی جناب

سامعه را وقت گلچینی رسید ناطقه را صح حق‌بینی دمید

میرزا بیدل که کدخدای سخن است پیغمبر غوث و پیشوای سخن است

یکتاست در آفریدن طرز کلام باله که بی سخن خدای سخن است

آثار خوشگو^۲

۱- سفینه خوشگو (دفتر اول، دوم و سوم): تذکره مهم شعرای فارسی که در

سال ۱۱۴۷ هـ/۱۷۳۴ م. تألیف شده است. سفینه خوشگو تألیف بندرابن داس،

متخلص به خوشگو، تذکره مهم شعرای فارسی‌زبان در سده دوازدهم، سه دفتر

دارد^۳ که در ذیل به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱ گل رعنا، ص ۷۳-۶۵؛ گلچین معانی در مورد این بیت می‌نویسد: "خان آرزو از عنادی که با شیخ

محمد علی حزین لاهیجی داشته این بیت از غزل مشهور او را در شمار اشعار خوشگو آورده است"

(تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۷۲۲).

۲- در آمادگی فهرست آثار خوشگو از تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان استفاده شده است.

۳- از مقدمه دفتر دوم سفینه خوشگو معلوم می‌شود که سفینه خوشگو چهار دفتر بوده، چون بعضی

جاها مؤلف در ذیل بعضی شاعران می‌نویسد که ذکرش در دفتر چهارم خواهد آمد، ولی دفتر چهارم

هیچ‌جا یافته نمی‌شود.

دفتر اول: دفتر اول سفینه خوشگو شرح حال ۳۶۲ شاعر را دربردارد و هنوز تصحیح نشده و به چاپ نرسیده است.

دفتر دوم: دفتر دوم تذکره سفینه خوشگو طولانی‌ترین و مهمترین دفتر است که به دست بندرابن داس در قرن دوازدهم هجری به رشته تحریر درآمده است. این تذکره فوق‌العاده، با داشتن اهمیت خاص بنابر اشکالاتی تاکنون تصحیح نشده بود و متأسفانه سایر مورّخین و متقدمین هم که تنها به معرفی ساده دفتر دوم این تذکره پرداختند، دچار اشتباهات بزرگی شدند و چنین به نظر می‌رسد که هیچ کدام از محققین محترم دست به دفتر دوم نزده و مطالب را از یکدیگر نقل کرده و در نتیجه آن نه فقط خودشان دچار مشکل شده، بلکه خوانندگان را نیز به نوعی گمراه کرده‌اند.

دفتر سوم: دفتر سوم سفینه خوشگو به کوشش سید شاه عطاءالرحمان عطا کاکوی تصحیح شده و در پتنا (هند) به چاپ رسیده است.

۲- **مرقع:** خوشگو مرقعی ترتیب داده و در آن نمونه اشعار و برخی آثار شعرای معاصر را به خط خود جمع‌آوری نموده بود، اما امروز اثری از آن مرقع به جا نمانده است.

۳- **ملفوظات بیدل:** خوشگو در ذیل شرح بیدل می‌نویسد که وی ملفوظات بیدل را ترتیب داده بود؛ چون هزاران بار در خدمت وی حضور داشته، اما متأسفانه امروز از این کتاب هیچ نسخه‌ای باقی نمانده است.

منابع

۱. آرزوی اکبرآبادی، سراج‌الدین علی خان: مجمع‌الفنّانس، گزیده شعرای سده دوازدهم، به کوشش عابد رضا بیدار، کتابخانه خاوری خدابخش، پتنا، ۱۹۸۲ م.
۲. آغا بزرگ الطهرانی، محمد محسن نزیل سامراء: الذریعه الی تصانیف الشیعه، الجزء الرابع، مجلس طهران، ۱۳۶۰ ه.ش.

۳. حیرت اکبرآبادی، قیام‌الدین: مقالات الشعرا، به تصحیح نثار احمد فاروقی، علمی مجلس، دلی (دهلی)، ۱۹۶۸ م.
۴. خلیل بنارسی، علی ابراهیم خان: صحف ابراهیم، گزیده شعرای قرن دوازدهم، به کوشش عابد رضا بیدار، کتابخانه خاوری خدابخش، پتنا، شماره ۶، ۱۹۷۸ م.
۵. خوشگوی دهلوی، بندرآبن داس: سفینه خوشگو (دفتر ثالث)، به کوشش سید شاه محمد عطاءالرحمان کاکوی، پتنا، بیهار.
۶. خیامپور، دکترع: فرهنگ سخنوران، تهران، ۱۳۶۸ ه.ش، ج ۱.
۷. شفیق اورنگ‌آبادی، منشی لجهمی نراین: گل رعنا، آفرین بزمی پریس، حیدرآباد دکن، هند.
۸. صباى بهوپالی (گوپاموی)، مظفر حسین: تذکره روز روشن، تصحیح محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، اسلامیة تهران، ۱۳۴۳ ه.ش.
۹. علی رضا نقوی، دکتر سید: تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، چاپ علمی، تهران، ۱۳۴۳ ه.ش.
۱۰. گلچین معانی، احمد: تاریخ تذکره‌های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۴۸ ه.ش، ج ۱.
۱۱. محمد فتوحی، دکتر: نقد خیال، تهران، ۱۳۲۶ ه.ش.
۱۲. نقش علی: باغ معانی، گزیده شعرای قرن دوازدهم، به کوشش دکتر عابد رضا بیدار، کتابخانه خاوری خدابخش، پتنا، هند، چاپ دوّم ۱۹۹۲ م.
۱۳. هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان: تذکره مخزن الغرائب، به اهتمام محمد باقر، لاهور، ۱۹۷۰ م.
۱۴. هندی لکهنوی، بهگوان داس: حدیقه هندی، عکس نسخه خطی منحصر به فرد کتابخانه علامه مرعشی، نزد عارف نوشاهی.



۱۵. ہندی لکھنوی، بہگوان داس: سفینہ ہندی، سید شاہ محمد عطاءالرحمان کاکوی،
ادارہ تحقیقات عربی و فارسی، پتتا، بیہار، ۱۹۵۸ م.

16. Abdul Muqtadir, Molvi: *Catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore*, Calcutta, 1925, Volume VII.
17. Rieu, Charles: *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, London, 1966, Volume I.

* * *